

راهی به جان و جهان

یکم

با رؤیت هلال ماه مبارک رمضان معنویتی وصف ناشدنی دل‌های مسلمانان را فرا می‌گیرد؛ معنویتی برخاسته از منبع فیاض الاهی که هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد و همواره نوشونده و فزاینده است. کسانی که در جست‌وجوی لذات برتر و عمیق‌ترند و خواهان آنند که چرایی پرهیز رضایتمندانه اولیای خدا از خواهش‌های این دنیایی را درک کنند رمضان را فرصت گرانقدری می‌دانند که به سهولت، امکان چنین تجربه‌ی معناگرایانه‌ای را در اختیار آنان قرار می‌دهد. گویا در این ماه همراه با فروفرستاده شدن قرآن و نزول فرشتگان و کزو بیان، ساحت عظیم و دست‌نیافتنی ربوبی نیز تنزلی آشکار یافته، در دسترس مؤمنان قرار می‌گیرد تا از آن یم بی‌پایان نمی‌برگیرند و خود را از جرعه‌های آن سیراب سازند.

شاید همین بسط فیض الاهی است که رمضان را از شرافت انتساب ویژه به خدای متعال برخوردار، و آن را شایسته نشان «ماه خدا» نموده است. در این ماه مائده‌ای آسمانی به وسعت دل همه انسان‌ها گشوده می‌شود تا همگان به فراخور ظرفیت وجودی و کشش ایمانشان از تحفه‌های الاهی آن برخوردار شوند. میزبان این مائده خداست که فراتر از همه نسبت‌های دیگری که میان خدا و بندگانش قرار دارد، نسبتی مهرورزانه را با بندگانش برقرار می‌کند. در اینجا خداست که مهر می‌ورزد و همه بندگانش را - از هر کیش و تباری - به ضیافت فرا می‌خواند: «ای مردم، ماه خدا با برکت، رحمت و مغفرت به سوی شما رو آورده است؛ ماهی که در آن به میهمانی خدا فراخوانده شده‌اید». ماه

رمضان تکانه‌ای است معنوی که یکنواختی زندگی روزمره و حتی عبادت‌های تبدیل شده به عادت را برهم می‌زند تا آدمی به خود بیاید و به آستانهٔ مرزهای وجودی خود در آید.

این‌گونه تجربه‌ها و فرصت‌ها را در همهٔ ادیان زندهٔ جهان می‌توان یافت؛ پیام همهٔ ادیان – چنان‌که گفته‌اند – نقب زدن به عالم معناست و همین است پیام اصلی ماه رمضان که: به خود آید و به خویشتن خویش بها دهد. در میان هیاهوی زمانه و چکاچک شمشیرهای برهنه و قیل و قال‌های جاهلانه یا حتی عالمانه باید فرصتی را ساخت و پرداخت که آدمی را از غرقه شدن در دنیای بیرون نجات داده، به درون راه‌برد. به راستی تاکی باید سرگرم ظاهر، و غرقه بیرونی خود باشیم؟ «آیا زمان آن فرا نرسیده است که دل مؤمنان در برابر یاد خدا خاشع و نرم و فروتن شود؟» (حدید: ۱۶).

نهیب «علیکم انفسکم» را در این ماه بیش از هر زمان دیگری می‌توان به گوش جان شنید: «ای مؤمنان، خود را بیاید که اگر شما هدایت یابید گمراهی دیگران هیچ آسیبی به شما نمی‌رساند» (مائده: ۱۰۵). کسانی را که در پی دستگیری معنوی از دیگرانند باید ستود، اما هم‌زمان باید به ایشان یادآور شد که «خوشا به حال کسانی که کاستی‌هایشان ایشان را از پرداختن به عیوب دیگران بازداشته است» و نیز اینکه «معلم و مؤدب خویشتن، به احترام و تکریم سزاوارتر است تا معلم و مؤدب دیگران» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳). کسانی را که سیر آفاقی می‌کنند و در جست‌وجوی آیات الاهی از این سو بدان سو می‌روند نیز باید گرامی داشت، اما باز باید به آنان گوشزد کرد که «و فی انفسکم افلا تبصرون؟ و در جان‌های شما [نشانه‌هایی است که به خدا رهنمون می‌شود] آیا نمی‌بینید» (ذاریات: ۲۱). آری «هر که خود را شناخت به حریم پروردگارش راه یافت» و همین است «سودمندترین شناختنی‌ها و برترین دانستنی‌ها» و رمضان فرصتی است مغتنم برای تقرب جستن به این ارزش‌های والا و گرانبها.

دوم

با همهٔ نکوداشتی که باید نثار خودشناسی و معناگرایی نمود و با اینکه همواره باید پرداختن به خویشتن را سرلوحهٔ دل‌مشغولی‌های وجودی خود قرار داد، اما هرگز قرار نیست – دست‌کم در فرجامین و برترین پیام الاهی که پیام اسلام است – آدمی در خود

غرقه شود و از دنیای بیرون چشم ببوشد و روی برگرداند. امت میانه‌رو و اعتدال‌گرای اسلام که خداوند آنها را «امت وسط» نامیده و پسندیده است راه افراط یا تفریط را نمی‌پویند و به چپ و راست نمی‌گرایند که «راه همان راه میانه است». اگر سالک مسلمان به سیر الی الحق و سیر فی الحق بالحق می‌پردازد سیر من الحق الی الخلق بالحق و سیر فی الخلق بالحق را هم در دستور کار خود قرار می‌دهد.

ماه رمضان به گونه‌ای طراحی شده است که آدمی در کنار پرداختن به خود معنوی نیم‌نگاهی هم به دیگران داشته، به آنان بیندیشد. این دیگراندیشی نه به معنای رفتن در پوستین دیگران و نه به معنای بازماندن از خویشتن است، که به معنای اهتمام‌ورزیدن به امور دیگر انسان‌ها و کاستن از رنج‌های آنهاست. در ماه رمضان مؤمنان به امساک و پرهیز فراخوانده شده‌اند تا هم خویشتن‌داری را بیاموزند و بر مهارکردن نفس لجام‌گسیخته خود توانمند شوند و هم‌زمان با فقر و فاقه نیازمندان خوبگیرند و دردآشنای کسانی باشند که در پیچ و خم‌های زندگی گرفتار آمده، از عهده معاش خود بر نمی‌آیند؛ همان‌هایی که بامدادان تا دیر هنگام می‌کوشند و هر نوع رنجی را بر خود هموار می‌سازند تا شاید با دستی پر و قلبی شادان به کاشانه خویشتن برگردند، اما همواره از گردونه زندگی بیرون، و از کاروان رفاه و پیشرفت عقب‌اند؛ سپیده دم فردای اینان هیچ چشم‌انداز روشنی را به دست نمی‌دهد. چگونه می‌توان به درکی عمیق از دردهای اینان نائل آمد؟ چگونه می‌توان غم‌خوار واقعی اینان بود؟ آیا راهی بهتر از مواجهه مستقیم با وضع و حال اینان، آن هم از راه تجربه عینی و شخصی‌گرسنگی و تشنگی و دیگر محرومیت‌ها وجود دارد؟

اگر رمضان با همه معنا و مضمونش به‌جد گرفته شود و به دست دنیاطلبان از درون تهی نشود و به ضد خود تبدیل نگردد، در کنار تعمیق معنویت در مؤمنان، گرایش‌های عدالت‌خواهانه و مساوات‌طلبانه یا به تعبیر دقیق‌تر، مواسات‌طلبانه را در آنان تثبیت و تقویت خواهد کرد. عدالت آموزه‌ای است ایمانی، و ارزشی است انسانی که هم به حکومت‌ها مشروعیت و مقبولیت، و امکان تداوم را پیشکش می‌کند و هم شهروندان را به زندگی بهتر امیدوار کرده، به کوشش بیشتر و می‌دارد و صد البته اگر این عدالت در همه ابعادش به دست دینداران تحقق پذیرد دلبستگی مردمان را به دین دو چندان خواهد کرد. اما مواسات قاعده‌ای است اخلاقی که به برخورداران گوشزد می‌کند که به

اندرزهای اخلاقی، سازوکارهای فقهی و حقوقی، و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی دولت‌ها بسنده نکنند و مسئولیت انسانی و ایمانی خود را در قبال مستمندان فراموش نکنند و در آنچه دارند بینوایان را نیز سهیم کنند و بدانند که خداوند «در اموال آنان حق و سهمی مشخص را برای حاجتمندان و محرومان قرار داده است» (رک: ذاریات: ۱۹). باید قدردان رمضان بود که با مضامین، مناسک و حتی دعا‌های خود ما را به درک نزدیک‌تر و ملموس‌تری از وضع و حال محرومان نائل ساخته، به برداشتن گام‌های عملی برای زدودن آثار محرومیت از چهره زندگی اینان بر می‌انگیزاند.

سوم

بی‌تردید، یکی از نوع‌نمون‌ترین نمادهای معنویت و عدالت توأمان امام علی (ع) است. در او که پرورش‌یافته دامن قرآن و دانش آموخته مکتب پیامبر اکرم (ص) است به وضوح می‌توان صدای رسای عدالت و سیمای زیبای معنویت را دید. منصب جانشینی پیامبر اسلام در علم و معنا و در امور دنیا و عقبا به حق او را سزد. او را «شهید رمضان» نامیده‌اند و این لقب زببندۀ اوست؛ نه فقط از آن رو که در این ماه عزیز گویای «فزت ورب الکعبه» و پذیرای فوز شهادت شد، بلکه همچنین از آن رو که او تمثّل آرمان‌های رمضان و آموزه‌های قرآن نازل‌شده در رمضان بود. او را در محراب و در آستانه معنوی‌ترین حالات عبادی یک مسلمان به شهادت رساندند و در ورای شهادت او می‌توان دستان پلید همه عدالت‌ستیزان، پیمان‌شکنان و خارجیان را دید که همگی در خروج از حریم عدالت و اعتدال هم‌داستان بودند. این گفته را باید تصدیق کرد که «علی را در محراب نمازش به خاطر اصرار زیادش بر عدالت کشتند».

عدالت توصیه همیشگی امیرمؤمنان به والیان و کارگزارانش بوده است: «برترین روشنی چشم کارگزاران، تثبیت عدالت در سرزمین تحت نفوذشان است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و عدالت فقط یک خواسته و توصیه انسانی برای ایجاد نظم اجتماعی نیست، که از پایه‌های ایمان دینی نیز است. (رک: همان، حکمت ۳۱) و علی (ع) با وجود همه ناهمواری‌ها و نامهربانی‌هایی که دید هرگز از عدالت‌طلبی و از اهتمام به امور مسلمانان و از پرداختن به دنیای پیرامون عقب‌نشست و هرگز کنج عزلت نگزید و نشان داد که اصلاح امور جامعه نیازی ضروری و وظیفه‌ای الهی است و هرگز میان درون‌گرایی و

برون‌گرایی ناسازگاری وجود ندارد، البته اگر در هیچ کدام افراط و زیاده‌روی نشود، که: «نادان را یا در افراط یا در تفریط خواهی دید» (همان، حکمت ۷۰). با این همه، روشن است که در نگاه آن حضرت مهم‌ترین وظیفه پرداختن به خویشتن خویش است. چگونه کسی که از عهده شناخت و ساخت خود برنیامده است می‌تواند به شناخت دیگران و رهنمونی آنان توفیق یابد؟ «کسی که خود را بشناسد بیشتر شناسای دیگران است و آن‌که خود را شناسد دیگران را نیز کمتر خواهد شناخت.» «از نشناختن خود برحذر باش که ناآشنای خویشتن هیچ چیزی را نمی‌شناسد». حتی عدالت‌طلبی و دادگری در صورتی ماندگار است که در درون آدمی و در خویشتن داری وی ریشه داشته باشد: «محبوب‌ترین بندگان خدا کسی است که خود را به عدالت ملزم ساخته باشد و اولین گام عدالت خواهانه نفی خواهش‌های نفسانی است» (همان، خطبه ۸۷). کسانی که از درون به پیرایش و پالایش خود اهتمام نورزیده و در راه تعمیق ابعاد معنوی خود گامی بر نداشته‌اند نمی‌توانند برپادارنده و نگاه‌دارنده عدالت باشند: «آنگاه که کارگزاری در پی خواهش‌های خویش باشد بسیار می‌شود که از برپایی عدل باز می‌ماند» (همان، نامه ۵۹). و از همه بالاتر اینکه شناخت کامل پروردگار نیز در گرو شناخت خویشتن است: «در شگفتم از کسی که خود را نمی‌شناسد چگونه می‌تواند به شناخت پروردگارش نائل آید؟» باشد که از خوان گسترده رمضان برخوردار شویم و در پرتو این ضیافت الهی، هم به جهانِ جان راه یابیم و هم به جانِ جهان.